

اثر اعتبارات بانکی بر ساختار بازار نیروی کار کشور

علی شیخی مهرآبادی *

مجتبی باقری تودشکی **

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۹

DOI: 10.22096/esp.2021.121563.1317

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی اثر اعتبارات بانکی بر ساختار بازار نیروی کار است. مهم‌ترین متغیرهای استفاده شده در این مطالعه شامل نسبت شاغلین روستایی به شهری، شاغلین بخش خصوصی به دولتی، نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال، اعتبارات بانکی، نقدینگی، نرخ تسهیلات، نرخ تورم، نرخ مزد، رشد جمعیت، درآمدهای نفتی، مخارج دولت، تعداد افراد تحصیلکرده دانشگاهی و تعداد افراد تحصیلکرده دبیرستانی است. به منظور آزمون رابطه بین متغیرها از مدل خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برای دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۳۸ استفاده شد. با توجه به برآوردهای صورت گرفته مشاهده گردید که اعتبارات بانکی بر متغیرهای تعداد شاغلین روستایی و شهری، شاغلین بخش خصوصی و دولتی، نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال و حجم اشتغال کل تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است و این موضوع تأییدکننده این بوده است که اعتبارات بانکی و به عبارتی سیاست پولی بر ساختار بازار نیروی کار در ایران اثرگذار بوده است. علاوه بر این مشاهده گردید که اعتبارات بانکی بر متغیر نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال و حجم اشتغال کل به ترتیب شدت اثرگذاری ۰.۶۹ و ۰.۶۵ داشته است و این موضوع تأیید می‌کند که اعتبارات بانکی و به عبارتی سیاست پولی بر حجم اشتغال اثرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: تسهیلات بانکی، اشتغال، ساختار بازار نیروی کار، مدل خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL).

طبقه‌بندی موضوعی: O16, O11, G24, G21

Email: a.mehrabadi12@yahoo.com

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه مفید، قم، ایران.

Email: bagheri@mofidu.ac.ir

** استادیار دپارتمان اقتصاد، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسئول)



۱- مقدمه

در کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که دارای ساختار زیربنایی مناسبی نباشند سهم اشتغال در بخش دولتی بیشتر از بخش خصوصی است. با توسعه کشور و افزایش در سطح تحصیلات نیروی کار و گسترش خصوصی‌سازی در طی سال‌های گذشته تعداد شاغلان به تفکیک شاغلان بخش دولتی و شاغلان بخش خصوصی نشان می‌دهد، تعداد شاغلان بخش دولتی در یک روند نزولی از آستانه ۴ میلیون نفر در سال ۱۳۸۴ به ۳,۷۱ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ می‌رسد که سهم آن از کل اشتغال در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۶ درصد است. این موضوع نشان می‌دهد بخش دولتی از ظرفیت محدودی برای ایجاد تحولات در زمینه اشتغال‌زایی برخوردار است و با توجه به چشم‌انداز قیمت نفت و وضعیت نامناسب بودجه دولت در سال‌های اخیر، حفظ قدرت خرید همین میزان شاغلان دولتی هم طی سال‌های آتی دشوار خواهد بود. لذا نباید انتظار داشت دولت بتواند تحولاتی در زمینه افزایش اشتغال در بخش دولتی به وجود بیاورد، بلکه برای ایجاد اشتغال باید به دنبال سازکارهایی بود که بخش خصوصی بتواند تحولی در این زمینه ایجاد کند. نکته درخور توجه آن است که سهم اشتغال بخش دولتی برای زنان در حدود ۱۱ درصد بیش از مردان است و بیش از یک‌چهارم اشتغال کنونی زنان هم وابسته به دولت است. با توجه به نیاز سال‌های آتی در زمینه اشتغال‌زایی زنان و به خصوص برای زنان تحصیلکرده، لازم است کسب و کارهایی در بخش خصوصی توسعه یابند که سازگار با اشتغال زنان تحصیلکرده باشد. (اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲۳)

ساختار بازار نیروی کار کشور نشان می‌دهد بخش اداری عمومی، بهداشت و آموزش بیشترین متقاضی نیروی کار دارای تحصیلات عالی را دارد و در سال ۱۳۹۵، ۳۷ درصد مردان و ۶۴ درصد زنان دارای تحصیلات عالی در این بخش شاغل بوده‌اند. در نتیجه این رشته‌فعالیت یکی از کاندیداهای جذب جوانان تحصیلکرده بیکار است، اما باید توجه شود که سهم بالایی از تقاضای نیروی کار در این رشته فعالیت به بخش دولتی اقتصاد ایران تعلق دارد که با توجه به محدودیت‌های بخش دولتی امکان توسعه و افزایش اشتغال از سوی دولت در آن مهیا نیست. بخش صنعت ساخت پس از بخش اداری عمومی، بهداشت و آموزش عمده‌ترین رشته‌فعالیتی است که افراد تحصیلکرده در آن شاغل هستند، اما همان‌طور که مشاهده می‌شود، سهم بسیار کمی از اشتغال افراد تحصیلکرده را شامل می‌شود. در سال

۱۳۹۵ در بین زنان و مردان تحصیلکرده شاغل تنها ۹ درصد و ۱۴ درصد آن‌ها در بخش صنعت شاغل بوده‌اند. در کشورهای توسعه‌یافته بخش صنعت در ایجاد مشاغل مورد نیاز افراد تحصیلکرده از اهمیت کلیدی برخوردار است و بخش‌های تحقیق و توسعه صنعتی در زمره متقاضیان اصلی تحصیلات عالی دانشگاهی هستند. ساختار بازار نیروی کار در ایران متأثر از متغیرهایی همچون نرخ رشد مانده تسهیلات، متوسط نرخ رشد جمعیت شاغل، ایجاد فرصت‌های شغلی، فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف، نقش دانشگاه‌های انتفاعی و غیرانتفاعی و... می‌باشد. افزایش دانش‌آموختگان آموزش عالی به‌ویژه حضور گسترده زنان در مؤسسات آموزشی و پژوهشی و افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان زن نسبت به مرد در دانشگاه‌های کشور، یکی از مسائل جدی بازارهای آموزش و کار در دوران کنونی است. در صورت فراهم نبودن شرایط اشتغال نیروی کار به‌ویژه در سطح تحصیلات عالی ممکن است از انگیزه جوانان برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها کاسته شود. افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد و مجرد قبلاً ازدواج کرده در بازار کار مشارکت دارند. همچنین با افزایش مدرک تحصیلی، احتمال مشارکت به‌ویژه در زنان افزایش می‌یابد و درآمد سایر اعضای خانواده احتمال مشارکت در بازار کار را کاهش می‌دهد. (مشیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰)

اشتغال را می‌توان به لحاظ اهمیت در ابعاد عملی شخصیت انسان، منشأ هویت و ابزار رسیدن به سعادت نوع بشر به شمار آورد. در ابعاد فلسفی، مذهبی، روان‌شناسی، سیاسی و کار مفید و ثمر بخش. دارای اهمیت فراوان می‌باشد؛ به طور کلی طی تأمین اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، در قالب یکی از دغدغه‌های اقتصادی و به عنوان ضروری‌ترین هدف برای مدیریت و برنامه‌های اقتصادی همواره مد نظر قرار گرفته است. از سوی دیگر، در مطالعات اقتصادی، تجزیه و تحلیل اثرات سیاست‌های اقتصادی (از جمله متغیرهای سیاست پولی بر بازار کار) از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ هرچند که هدف اصلی متغیرهای سیاست پولی، کنترل سطح قیمت‌ها است و قابلیت سایر سیاست‌ها در دستیابی به این هدف محدود است؛ اما بالا نگه‌داشتن سطح فعالیت‌های اقتصادی از دیگر اهدافی است که برای سیاستگذار مطرح است. با توجه به اهمیت اثر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، از جمله سیاست‌های پولی بر متغیرهای حقیقی اقتصاد مانند اشتغال، روشن شدن ارتباط میان متغیرهای سیاست پولی و اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌تواند راهگشایی در جهت برنامه‌ریزی کشورها باشد.

دولت‌ها برای رسیدن به اهداف، سیاست‌های اقتصادی مختلفی را طراحی نموده و به مرحله اجرا می‌گذارند، سیاست‌های پولی و مالی از این سیاست‌هاست. از آنجا که اشتغال کامل و ثبات قیمت‌ها به طور خود کار عاید نمی‌شود اقتصاددانان به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌های پولی و مالی جهت ثبات اقتصادی لازم و ضروری است. سیاست‌های پولی و مالی مجموعه‌هایی از تصمیمات و اقداماتی است که به وسیله آن مقامات دولتی به منظور تحت تأثیر قرار دادن مجموعه فعالیت‌های اقتصادی به کار می‌گیرند. دولت‌ها می‌توانند مثلاً با افزایش مخارج خود و یا کاهش نرخ مالیات یا با افزایش حجم پول در جامعه نرخ بهره را کاهش دهند، و بر تقاضای مؤثر اثر بگذارد و آنرا گسترش داده و بدین ترتیب بر بیکاری که نتیجه تعادل بین عرضه کل و تقاضای کل محصول ملی در سطحی کمتر از اشتغال کامل نیروی کار است اثر بگذارند. (گوهریان، ۱۳۸۱: ۳۷)

اغلب مبانی نظری تأکید دارند که رابطه مثبتی بین اعتبارات و تأمین مالی و افزایش اشتغال در بازار کار دارد. نکته شایان توجه این است که ساختار بازار کار به لحاظ جنسیت، موقعیت جغرافیایی، بازه سنی و ... بسیار متفاوت است. در بازارهایی که فراوانی اشتغال زنان بیشتر از مردان باشد یا گروه‌های سنی جوان تر بیشتر باشد تمایل به اشتغال بالاتر بوده و هزینه تمام شده برای سرمایه‌گذاران و کارفرمایان کمتر می‌باشد لذا منابع مالی کمتری مورد نیاز می‌باشد، اما از طرف دیگر به دلیل بالاتر بودن گردش نیروی کار در بین زنان و جوانان برخی از کارفرمایان ترجیح می‌دهند دستمزدهای بالاتری را صرف کارگران خیره و ماهر کرده و هزینه‌های مربوط به آموزش کارگران جدید را کاهش دهند که در این صورت نیازمند اعتبارات بالاتر می‌باشند. رابطه بین واسطه‌گری مالی و رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از محورهای اصلی در ادبیات توسعه مالی مطرح شده است. براساس این ادبیات، بخش مالی نقش اساسی در توسعه و رشد اقتصادی دارد و به دلیل ایفای نقش واسطه‌ای در تخصیص منابع به همه بخش‌های اقتصادی از طریق کاهش هزینه تأمین مالی و نیز تشویق پس‌اندازها و استفاده کارا از آنها، سهم عمده‌ای در رشد بلندمدت اقتصادی دارد. علاوه بر ادبیات توسعه مالی، نظریه‌های رشد کلاسیک‌های جدید نیز به صورت ضمنی بر اهمیت تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأکید کرده و معتقدند که کارکردهای مالی از دو کانال، انباشت سرمایه و ابداعات تکنولوژی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، براساس نظریه‌های اقتصادی، رشد اقتصادی با افزایش

ظرفیت تولید و سرمایه‌گذاری بر افزایش اشتغال تأثیرگذار است. بنابراین براساس مبانی نظری موجود، توسعه مالی به صورت مستقیم بر رشد اقتصادی و به صورت غیرمستقیم بر افزایش اشتغال تأثیر می‌گذارد. (اسفندیاری و ترحمی، ۱۳۸۸: ۱۵)

ترکیب شاغلان از نظر سنی در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد با گذشت زمان سهم رده‌های سنی ۱۰ تا ۱۹ سال و ۲۰ تا ۲۹ سال کاهش یافته و سهم رده‌های سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۴۰ تا ۴۹ سال و بیش از ۵۰ سال در حال افزایش است که بیشترین تغییر مربوط به سهم رده سنی ۳۰ تا ۳۹ سال از کل شاغلان است. این تحولات سبب شده است میانگین سنی جمعیت شاغل افزایش یابد و تمرکز سنی جمعیت شاغل به سمت گروه‌های سنی بالاتر سوق پیدا کند. این موضوع می‌تواند در سال‌های آتی و با نزدیک شدن گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۹ سال فعلی به سنین بازنشستگی مسئله‌آفرین باشد. در طی این سال‌ها ساختار بازار نیروی کار تغییر اساسی کرده است. طی سال‌های گذشته به منظور کاهش نرخ بیکاری سیاست‌های مختلفی همچون اعطای اعتبارات بانکی برای بنگاه‌های زودبازده، کاهش نرخ سود بانکی، استفاده از درآمد سرشار نفتی، اعطای اعتبارات اشتغال‌زایی نهادهای حمایتی و حمایت‌های مناطق محروم در دستور کار دولت قرار گرفته است. اما این عوامل تأثیری در روند حرکتی نرخ اشتغال نداشته است. بنابراین تنها اعطای اعتبارات نمی‌تواند عاملی برای افزایش نرخ اشتغال باشد. بنابراین بهبود بازار کار همچنان نیازمند اصلاح رویکرد سیاست‌گذاری ملی بازار کار و شناخت صحیح از ساختار بازار نیروی کار است.

با توجه به اینکه مطالعه‌ای در کشور به بررسی نقش سیاست پولی و اعتبارات بازار پولی بر تغییر در ساختار بازار کار پرداخته است، این مطالعه ابتدا با تفکیک و بررسی ساختار بازار کار در ایران بر اساس اشتغال شهری و روستایی، سن، تحصیلات و... پرداخته است و اثرات اعتبارات بانکی بر ساختار بازار نیروی کار را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. برای این منظور با استفاده از روش خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL) این موضوع مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

ساختار مقاله حاضر از پنج بخش تشکیل شده است. در ادامه به ادبیات تحقیق و بررسی مطالعات پیشین انجام‌شده در مورد موضوع تحقیق پرداخته شده است. در بخش چهارم مدل تجربی تحقیق برآورد گردیده است. در نهایت در بخش انتهایی به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات سیاستی پرداخته شده است.

۲- ادبیات تحقیق

بازار کار همانند سایر بازارها از دو طرف عرضه و تقاضای نیروی کار تشکیل شده است. در طرف عرضه عواملی حضور دارند که تعیین می‌کنند چه تعداد نیروی کار ورود به بازار را انتخاب کرده‌اند و مایل هستند چند ساعت از زمان خود را در طول شبانه‌روز به کارفرمایان اجاره دهند. البته نتایج بازار کار تنها به خواست نیروی کار جهت فعالیت در این بازار بستگی ندارد، بلکه تمایل و خواست بنگاه‌ها برای استخدام نیروی کار نیز دارای اهمیت است. یعنی، نتایج بازار کار (اشتغال و بیکاری) برآیند خواست بنگاه‌ها برای اجاره نیروی کار و تمایل نیروی کار جهت فعالیت در بنگاه است. تقاضای نیروی کار به عنوان مقدار نیروی کاری که کارفرمایان خواستار استخدام آنها در دوره زمانی معین و در نرخ خاصی از دستمزد هستند تعریف شده است. در واقع تقاضای نیروی کار مشتق از تولید است.

موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از اساسی‌ترین نیازهای جامعه محسوب می‌شود. بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره از جمله دغدغه‌های برنامه‌ریزان بوده است. (نوذری و کرمی، ۱۳۹۶: ۱۶۲) اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات مهم اقتصادی هر کشوری است، به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع تلقی می‌شود. البته بسیاری از محققان، سرانجام در واکنش مناسب به این طرز فکر که نمی‌توان مفهوم بیکاری را در حد بعد اقتصادی آن پایین آورد، توجه همگان را به این مسئله جلب کرده‌اند که لازم است بعد اقتصادی بیکاری با مجموعه‌ای از مفاهیمی که به همین اندازه حائز اهمیت است، از قبیل جامعه‌پذیری، مشارکت، شخصیت و غیره همراه گردد تا بدین وسیله هم در تجزیه و تحلیل‌های علمی و هم در برنامه‌ی کاری، همه ابعاد اجتماعی - فرهنگی جهان کار را شامل گردد. (ارگاس، ۱۳۸۰: ۸۹/۵) در واقع، بیکاری را گاهی علاوه بر اینکه یک پدیده‌ی اقتصادی می‌دانند یکی از معضلات اجتماعی نیز قلمداد می‌کنند؛ از آن‌رو فرد بیکار چون خود را سبب هیچ فایده و انگیزه‌ای نمی‌داند، واجد انرژی برای تخریب و کنش‌های غیرمعتاد در جامعه است. (کیانمهر، ۱۳۸۵: ۶۱)

یکی از ویژگی‌های جمعیتی کشورهای در حال توسعه جوانی جمعیت است. از آنجاکه گروه سنی زیر ۱۵ سال حدود ۴۵٪ کل جمعیت این کشورها را تشکیل می‌دهد، نرخ باروری در این کشورها بسیار بالاست، وجود تسهیلات مراقبت روزانه از اطفال، مادران شاغل به غلبه بر این

موانع کمک می‌کند. در شرایط مشارکت مادران در نیروی کار در جوامع روستایی کشاورزی، مشابه سایر جوامع نیست. در این جوامع، زنان فعالیت اقتصادی را عمدتاً در خانه، در مزارع خانوادگی، در بنگاه‌های خانوادگی خرده فروشی خانوادگی، صنایع دستی خانگی و غیره انجام می‌دهند. مردان در این گروه از کشورها در شغل‌های صنعتی مشغول بوده و میزان مشارکت اقتصادی زنان در این جوامع بیشتر می‌باشد. (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۶)

در بخش دیگر، هرچه میزان علم و دانش افراد افزایش یابد امکان دستیابی آنان به مشاغل بخش صنعتی و خدماتی افزایش می‌یابد و بنابراین رابطه مثبتی میان علم و دانش و نرخ مشارکت افراد در بازار کار وجود دارد. مطالعات تجربی صورت گرفته توسط اکبری و مصری نژاد (۱۳۸۲)، دهقان (۱۳۸۰) و ماهر (۱۳۸۳) نشان داده‌اند که درآمد مورد انتظار، مزدها و سطح تحصیلات اثر مثبتی بر نرخ مشارکت افراد دارد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که سطح تحصیلات عامل مهمی است که باعث افزایش کارایی بالقوه در بازار کار می‌شود.

شهرنشینی و مهاجرت نقش مهمی در اشتغال زنان و مردان دارد. مهاجرت به طُرق گوناگون بر مشارکت در نیروی کار اثر می‌گذارد. مهاجرت مردان از نواحی روستایی منجر به افزایش مشارکت زنان در کشاورزی می‌شود و مهاجرت زنان مشارکت خود آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این رابطه مضامین تئوری انتقال تحرک تحلیل جالبی ارائه می‌کند. در مرحله سطح باروری بالا و مرگ و میر تدریجاً رو به کاهش، از آنجا که مهاجرت‌ها عمدتاً در قالب روستا - شهری صورت می‌گیرد، انتظار می‌رود فرصت اشتغال را از زنان بگیرد و برعکس مهاجرت شهر - شهر که شکل غالب در مراحل بعدی انتقال (بخصوص مرحله سوم یعنی رشدانتقالی) است، به نظر می‌رسد فرصت‌های بیشتری را برای اشتغال زنان و هم مردان فراهم می‌آورد. چرا که اکثر مهاجرت‌ها در سنین بالا به دلایل اقتصادی است و همه مهاجران به داشتن میزان‌های مشارکت بالاتر نسبت به غیرمهاجرین متمایلند. (قدرتی، ۱۳۹۴: ۳۱)

رفع نیازهای مادی در جوامعی که آن را به سنجش دقیق گذارده‌اند، یکی از عوامل اساسی اشتغال است. تورم باعث می‌شود زنان در مقام نان‌آور دوم، به‌ویژه در میان طبقه درآمدی پایین، وارد صحنه فعالیت و کار شوند که این خود بر میزان مشارکت و بیکاری و سطح دستمزدها اثرگذار بر ورود زنان و گروه‌های سنی پایین‌تر به بازار کار است. (سبکبار و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹)

هرچه توزیع درآمد در کشوری بدتر باشد، زنان و گروه‌های سنی متفاوت مجبورند برای تأمین هزینه خانوار اقدام به فعالیت اقتصادی کنند و از این رو میزان اشتغالشان افزایش یافته و ترکیب بازار کار دگرگون شود. از سوی دیگر، وضعیت مالی خانوار نیز بر اشتغال گروه‌های مختلف سنی و جنسیتی در بازار کار مؤثر است. (Fougère et al, 2009: 910)

هرچه دولت بیشتر بر اقتصاد نظارت داشته باشد و حجم آن بیش تر باشد، مانع تبعیض مردان نسبت به زنان می‌شود. کاهش تصدی دولت و خصوصی سازی نیز می‌تواند در اشتغال زنان و مردان تأثیرگذار باشد. با توجه به این که در ایران بخش وسیعی از افراد تحصیلکرده در بخش عمومی فعالیت دارند، این سیاستگذاری می‌تواند بر بازار کار در ایران و بخصوص سطح مشارکت و اشتغال افراد اثر بگذارد و ساختار و ترکیب بازار کار را بر هم بزند. (آل عمران و آل عمران، ۱۳۹۴: ۷۲)

تأثیر پذیری اشتغال از متغیرهای پولی را می‌توان به دو دیدگاه تقسیم نمود: دیدگاه اول در قالب مدل‌هایی از قبیل فرضیه انتظارات عقلایی و خنثایی سیاست‌های پولی مطرح می‌شود که بیانگر این است که خنثی نبودن سیاست پولی ناشی از رد فرضیه انتظارات عقلایی بوده و سیاست‌های پولی می‌تواند در تحریک تولید ناخالص داخلی و سطح اشتغال، مؤثر واقع گردد. در دیدگاه دوم در چارچوب مدل «بارو» نیز اثرات دو جزء قابل انتظار و غیر قابل انتظار پیش بینی رشد پول بر متغیرهای حقیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج این مدل بر این نکته تأکید دارد که شاخص بیکاری با رشد پولی رابطه عکس را نشان می‌دهد. به لحاظ نظری، در صورت استقلال بانک مرکزی، خالص دارایی‌های خارجی و ذخایر طلای بانک مرکزی از جمله متغیرهایی است که بانک مرکزی توسط آن می‌تواند گام‌های مهمی را در راستای تأمین هدف‌های سیاست پولی بردارد؛ تغییر در اجزاء پایه پولی در ارتباط با سیستم اقتصادی است، از سوی دیگر، سیاست تعیین سقف‌های اعتباری، در عین حال که فعالیت بانک‌ها را در چارچوب مشخصی محدود می‌سازد، در شرایطی که دیگر ابزارهای اعمال سیاست پولی نظیر نرخ‌های ذخیره قانونی و نرخ تنزیل مجدد و عملیات خرید و فروش اوراق بهادار دولتی در بازارهای مالی از کارایی لازم برخوردار نیست یا امکان استفاده آن توسط بانک مرکزی وجود ندارد مؤثرترین ابزار سیاستی بانک مرکزی برای کنترل پایه پولی است. اغلب میانی نظری تأکید دارند که رابطه مثبتی بین اعتبارات و تأمین مالی و افزایش اشتغال در بازار کار دارد. نکته قابل توجه این موضوع می‌باشد که ساختار بازار کار به لحاظ جنسیت، موقعیت جغرافیایی،

بازه سنی و... بسیار متفاوت می‌باشد. در بازارهایی که فراوانی اشتغال زنان بیشتر از مردان باشد یا گروه‌های سنی جوان‌تر بیشتر باشد تمایل به اشتغال بالاتر بوده و هزینه تمام شده برای سرمایه‌گذاران و کارفرمایان کمتر می‌باشد؛ از این رو منابع مالی کمتری مورد نیاز می‌باشد اما از طرف دیگر به دلیل بالاتر بودن گردش نیروی کار در بین زنان و جوانان برخی از کارفرمایان ترجیح می‌دهند مزدهای بالاتری را صرف کارگران خبره و ماهر کرده و هزینه‌های مربوط به آموزش کارگران جدید را کاهش دهند که در این صورت نیازمند اعتبارات بالاتر می‌باشند. رابطه بین واسطه‌گری مالی و رشد اقتصادی در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از محورهای اصلی در ادبیات توسعه مالی مطرح شده است. براساس این ادبیات، بخش مالی نقش اساسی در توسعه و رشد اقتصادی دارد و به دلیل ایفای نقش واسطه‌ای در تخصیص منابع به همه بخش‌های اقتصادی از طریق کاهش هزینه تأمین مالی و نیز تشویق پس‌اندازها و استفاده کارا از آنها، سهم عمده‌ای در رشد بلندمدت اقتصادی دارد. علاوه بر ادبیات توسعه مالی، نظریه‌های رشد کلاسیک‌های جدید نیز به صورت ضمنی بر اهمیت تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأکید کرده و معتقدند که کارکردهای مالی از دو کانال، انباشت سرمایه و ابداعات تکنولوژی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، براساس نظریه‌های اقتصادی، رشد اقتصادی با افزایش ظرفیت تولید و سرمایه‌گذاری بر افزایش اشتغال تأثیرگذار است. بنابراین براساس مبانی نظری موجود، توسعه مالی به صورت مستقیم بر رشد اقتصادی و به صورت غیرمستقیم بر افزایش اشتغال تأثیر می‌گذارد. (اسفندیاری و ترحمی، ۱۳۸۸: ۱۹)

۳- مروری بر مطالعات پیشین

مروری بر مطالعات پیشین نشان دهنده این است سیاست‌های پولی و مالی تأثیر معناداری بر اشتغال و بازار نیروی کار داشته است. سیاست پولی از طرف عرضه و تقاضا منجر به افزایش اشتغال خواهد شد. در طرف تقاضای بازار کار، اثر حجم پول حقیقی بر کل اشتغال مورد بررسی قرار می‌گیرد که حجم پول حقیقی در بلندمدت بر اشتغال تأثیر مثبت دارد و اثر پذیری اشتغال از سیاست پولی در کوتاه‌مدت به چسبندگی دستمزدهای بازار کار بستگی دارد. در این مطالعه سعی شده که یک رویکرد جامع به تأثیر سیاست پولی و اعتبارات بانکی بر ساختار بازار نیروی کار پرداخته شود در تمایز با مطالعات پیشین داخلی به‌خصوص مطالعات سعیدی (۱۳۹۱) که تنها تأثیر سیاست پولی بر اشتغال در استان‌های کشور را مورد بررسی قرار داده است مطالعه

حاضر تمامی ساختارهای بازار کار را مورد بررسی قرار داده است. در ادامه مروری بر مطالعات پیشین خارجی و داخلی انجام شده است.

جدول ۱: مروری بر مطالعات پیشین

محققین	موضوع مورد بررسی	روش تجزیه و تحلیل داده ها	نتایج
Schuler and Hashemi (1994)	نقش اعتبارات بانکی بر اشتغال زنان	روش داده‌های پنلی	اعتبارات ابزاری برای توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زنان است و منجر به افزایش در اشتغال زنان می‌شود.
Goetz and Sangupta (1996)	تأثیر اعتبارات و سیاست پولی بر اشتغال زنان در کشورها	حداقل مربعات معمولی (OLS)	نتایج این مطالعه نشان داد که بیش از ۶۰ درصد از وام‌هایی که زنان اخذ کرده‌اند، در واقع توسط خویشاوندان مرد کنترل و مصرف شده در حالی که زنان خود مسئولیت رسمی بازپرداخت آن را بر عهده داشته‌اند.
Yonas (2010)	نقش تسهیلات اعطایی بانک بر ساختار بازار کار در کشور تونس	حداقل مربعات معمولی (OLS)	نتایج این مطالعه بیانگر این بود که افزایش در تسهیلات بانکی منجر به تغییر در عرضه و تقاضای نیروی کار در بخش نسبت اشتغال مرد و زن و میزان تحصیلات افراد شده است.
Konareski (2012)	تأثیر نسبت شهرنشینی و نرخ دستمزد بر ساختار بازار کار در کشور لهستان	روش داده‌های پنلی	نتایج بیانگر این بود که گسترش نسبت شهرنشینی و افزایش در دستمزدها عامل مهمی تغییر ساختار بازار کار در این کشورها بوده است.
Saninger (2015)	نقش آموزش عالی بر ساختار بازار نیروی کار	خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL)	نتایج بیانگر این بود که افزایش در تحصیلات آموزش عالی منجر به افزایش به تمایل کار زن‌ها نسبت به مردها با مزدهای متفاوت شده است.
Omtiti (2016)	نقش جمعیت بر تغییر در ساختار بازار نیروی کار	خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL)	نتایج نشان داد که مهاجرت سطوح جمعیت را تغییر می‌دهد و سطح جمعیت به همراه نرخ مشارکت نیروی کار، عرضه نیروی کار را تعیین می‌نماید.
سعیدی (۱۳۹۱)	بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال	روش داده‌های پنلی	نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد که نیروی کار در رشد اقتصادی استان بالاترین نقش را ایفا می‌کند و مطابق انتظارات نظری مثبت است.
شولسانی (۱۳۹۱)	بررسی ساختار بازار کار و برآورد الگوی تقاضای نیروی کار استان تهران به تفکیک بخش‌های اقتصادی	حداقل مربعات معمولی (OLS)	نتایج نشان داد بخش خدمات بیشترین سهم از اشتغال استان تهران را به خود اختصاص داده است.
کریمی (۱۳۹۳)	تأثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال زنان در تعاونی‌های استان مازندران	حداقل مربعات معمولی (OLS)	نشان داده شده است که بسیاری از زنان دریافت‌کننده وام فعالیت اقتصادی جدیدی را آغاز نکرده‌اند و به همین جهت اعطای وام ارزان به شرکت‌های تعاونی در ایجاد اشتغال موفقیت چندانی نداشته است.
نظرزاده (۱۳۹۶)	تأثیر تسهیلات بانکی بر اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی استان‌های ایران	گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)	نتایج نشان داد اثر متغیر تسهیلات بانکی بر اشتغال بخش‌های کشاورزی و خدمات منفی بوده ولی در بخش صنعت این اثر مثبت است.

۴- برآورد مدل تجربی تحقیق

موضوع مورد بررسی در این تحقیق بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر ساختار بازار کار ایران است. با توجه به ادبیات مطرح شده در زمینه ساختار بازار کار بر اساس مطالعات نونو (Nuno, 2012) و دوناتلا و همکاران (Donatella et al, 2009) و به منظور برآورد رابطه میان متغیرهای تحقیق با استفاده از مدل داده‌های سری زمانی متغیر وابسته این تحقیق وضعیت ساختار بازار کار بوده و متغیرهای مستقل نیز شامل شاخص اعتبارات بانکی، نرخ تسهیلات بانکی، نرخ مزد، رشد جمعیت، نقدینگی، نرخ تورم، مخارج دولت، درآمدهای نفتی، مخارج تحقیق و توسعه و تعداد افراد تحصیلکرده است. با توجه به اهداف و فرضیه‌های طراحی شده در این مطالعه معادلات زیر برآورد می‌شود: به منظور بررسی نقش اعتبارات بانکی بر ترکیب اشتغال شهری و روستایی معادله زیر در نظر گرفته شده است:

$$RC_t = \beta_0 + \sum_{i=1}^T \beta_1 RC_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_2 LLO_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_3 LM2_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_4 LR_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_5 INF_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_6 W_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_7 LLA_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_8 LGOV_{t-i} + \varepsilon_t \quad (1)$$

متغیر وابسته در معادله فوق نسبت شاغلین روستایی به شهری (RC_t) می‌باشد. متغیر مستقل بر اساس شاخص اعتبارات بانکی (LLO_t)، نقدینگی ($LM2_t$)، نرخ تسهیلات (LR_t)، نرخ تورم (INF_t)، نرخ مزد (W_t)، رشد جمعیت (LLA_t)، مخارج دولت ($LGOV$) است.

به منظور بررسی نقش اعتبارات بانکی بر ترکیب اشتغال بر اشتغال دولتی و خصوصی معادله زیر در نظر گرفته شده است:

$$GP_t = \beta_0 + \sum_{i=1}^T \beta_1 GP_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_2 LLO_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_3 LM2_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_4 LR_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_5 INF_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_6 W_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_7 LLA_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_8 LGOV_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_9 LOIL_{t-i} + \varepsilon_t \quad (2)$$

متغیر وابسته در معادله فوق نسبت شاغلین بخش خصوصی به دولتی (GP_t) می‌باشد. متغیر مستقل بر اساس شاخص اعتبارات بانکی، نقدینگی، نرخ تسهیلات، نرخ تورم، نرخ مزد، رشد جمعیت، مخارج دولت و درآمدهای نفتی است.

به منظور بررسی نقش اعتبارات بانکی بر نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال معادله زیر در نظر گرفته شده است:

$$ER_t = \beta_0 + \sum_{i=1}^T \beta_1 ER_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_2 LLO_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_3 LM2_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_4 LR_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_5 INF_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_6 W_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_7 LLA_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_8 RD_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_9 EDU_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_{10} PRI_{t-i} + \varepsilon_t \quad (3)$$

متغیر وابسته در معادله فوق نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال (ER_t) می‌باشد. متغیر مستقل بر اساس شاخص اعتبارات بانکی، نقدینگی، نرخ تسهیلات، نرخ تورم، مزد، رشد جمعیت، مخارج تحقیق و توسعه، تعداد افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی و تعداد افراد تحصیل‌کرده دبیرستانی است.

در نهایت برای بررسی نقش اعتبارات بانکی به بنگاه‌های اقتصادی بر حجم اشتغال معادله زیر در نظر گرفته شده است:

$$LR_t = \beta_0 + \sum_{i=1}^T \beta_1 LR_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_2 LLO_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_3 LM2_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_5 INF_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_6 W_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_7 LLA_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_{11} LGOV_{t-i} + \sum_{i=0}^T \beta_{12} LOIL_{t-i} + \varepsilon_t \quad (4)$$

معادلات ۱ تا ۴ بر اساس روش خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی برآورد می‌شود در معادله فوق LLO_t بیانگر شاخص اعتبارات بانکی، $LM2_t$ لگاریتم نقدینگی، LR_t نرخ تسهیلات، INF_t نرخ تورم، W_t نرخ مزد، LLA_t رشد جمعیت، $LOIL_t$ لگاریتم درآمدهای نفتی، $LGOV_t$ لگاریتم مخارج دولت، EDU_t تعداد افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی و PRI_t تعداد افراد تحصیل‌کرده دبیرستانی است.

نرم‌افزار مورد استفاده در این تحقیق جهت تجزیه و تحلیل داده‌های نسخه Eviews8 است. اطلاعات گردآوری شده در این مطالعه مربوط به بازه زمانی ۱۳۳۸-۱۳۹۶ بر اساس فراوانی سالانه است. منبع گردآوری اطلاعات بانک مرکزی، مرکز آمار، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بوده است.

۴-۱ آزمون ریشه واحد

قبل از مدل‌سازی تحقیق برای جلوگیری از انجام رگرسیون‌های کاذب در تحقیق ابتدا مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفته که برای این منظور از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته (ADF) استفاده شده است. برای این منظور آزمون ریشه واحد بر روی متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. آزمون ریشه واحد در حالت وجود عرض از مبدأ و روند انجام شده است نتایج جدول (۲) نشان دهنده این است که متغیرهای نسبت شاغلین روستایی به شهری، شاغلین بخش خصوصی به دولتی، نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال، نرخ تسهیلات، نرخ تورم، نرخ مزد و رشد جمعیت به دلیل اینکه مقدار سطح معنی‌داری گزارش شده برای آن کمتر از ۰,۰۵ است فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد برای این متغیرها رد شده و این متغیرها در سطح مانا هستند. اما متغیرهای اعتبارات بانکی، نقدینگی، درآمدهای نفتی، مخارج دولت، تعداد افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی و تعداد افراد تحصیل‌کرده دبیرستانی در سطح نامانا بوده و با یک بار تفاضل‌گیری شده مانا شده است.

جدول ۲: آزمون ریشه واحد ADF متغیرهای تحقیق

متغیر	آماره آزمون	Prob
نسبت شاغلین روستایی به شهری	-۴,۴۵	۰,۰۰۸
شاغلین بخش خصوصی به دولتی	-۳,۵۷	۰,۰۰۵
نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال	-۴,۴۸	۰,۰۱۲
اعتبارات بانکی	-۱,۲۸	۰,۲۳۱
نقدینگی	-۱,۱۲	۰,۲۷۶
نرخ تسهیلات	-۳,۱۷	۰,۰۱۹
نرخ تورم	-۴,۶۰	۰,۰۰۲
نرخ مزد	-۳,۴۹	۰,۰۰۵
رشد جمعیت	-۲,۹۸	۰,۰۲۷
درآمدهای نفتی	-۱,۳۰	۰,۴۳۲
مخارج دولت	-۱,۴۳	۰,۲۸۷
تعداد افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی	-۰,۳۴	۰,۳۷۶
تعداد افراد تحصیل‌کرده دبیرستانی	-۰,۴۹	۰,۵۷۶

منبع: خروجی نرم‌افزار و یافته‌های پژوهش

۴-۲ آزمون هم‌انباشتگی متغیرهای پژوهش

در این مرحله برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل، از روش هم‌انباشتگی یوهانسن - جوسیلیوس استفاده گردیده است. دلیل استفاده از روش هم‌انباشتگی یوهانسن - جوسیلیوس نسبت به سایر روش‌های هم‌انباشتگی این است که این روش بیش از یک بردار هم‌انباشتگی بین متغیرهای مدل را در نظر گرفته و در صورت استفاده از این روش تخمین‌زنده‌ها دارای کارایی مجانبی خواهند بود.

جدول ۳: آزمون هم‌انباشتگی یوهانسون

آزمون λ_{max}				آزمون Trace			
فرضیه	فرضیه	آماره	مقدار	فرضیه	فرضیه	آماره	مقدار
صفر	مخالف	آزمون	بحرانی ۹۵٪	صفر	مخالف	آزمون	بحرانی ۹۵٪
$r=0$	$r=1$	۴۰,۹۵	۳۱,۳۷	$r=0$	$r \geq 1$	۱۰۳,۸۴	۹۷,۷۵
$r \leq 1$	$r=2$	۲۸,۶۹	۳۴,۸۰	$r \leq 1$	$r \geq 2$	۶۶,۳۸	۷۶,۹۷
$r \leq 2$	$r=3$	۱۷,۲۵	۲۸,۵۸	$r \leq 2$	$r \geq 3$	۳۷,۶۹	۵۴,۰۷
$r \leq 3$	$r=4$	۱۱,۷۲	۲۲,۲۹	$r \leq 3$	$r \geq 4$	۲۰,۴۳	۳۵,۱۹
$r \leq 4$	$r=5$	۵,۴۴	۱۵,۸۹	$r \leq 4$	$r \geq 5$	۸,۷۰	۲۰,۲۶
$r \leq 5$	$r=6$	۳,۲۶	۹,۱۶	$r \leq 5$	$r \geq 6$	۳,۲۶	۹,۱۶

منبع: خروجی نرم‌افزار و یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج پژوهش مشخص است که برای هر دو آماره آزمون فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها در سطح معنی‌داری ۹۵ و ۹۰ درصد رد شده و رابطه بلندمدت بین متغیرها وجود دارد. بر اساس نتایج بدست آمده حداکثر یک رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها وجود دارد.

۴-۳ مدل خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL)

در این مطالعه از روشی که توسط پسران و شین (1995) و پسران و دیگران (2001) با عنوان رویکرد خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی معرفی کرده‌اند استفاده شده است. آنها ثابت می‌کنند که اگر بردار هم‌انباشتگی حاصل از به کارگیری روش حداقل مربعات معمولی در یک الگوی خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی که وقفه‌های آن به خوبی تصریح شده است به دست آید، علاوه بر اینکه از توزیع نرمال برخوردار خواهد بود، در نمونه‌های کوچک از اریب کمتر و کارایی بیشتری برخوردار است.

این رویکرد از محاسن ویژه‌ای نسبت به روش‌های قبلی برخوردار است، اول اینکه، این رویکرد بین متغیرهای وابسته و توضیحی تفاوت قائل می‌شود و مشکل درونزایی را حل می‌کند. دوم اینکه، اجزای بلندمدت و کوتاه‌مدت را به طور همزمان تخمین می‌زند و مشکلات مربوط به متغیرهای از قلم‌افتاده و خود همبستگی را برطرف می‌کند. سوم اینکه، از جمله روش‌هایی است که در آن بر خلاف روش یوهانسن - یوسیلیوس که در آن باید همه متغیرهای مانا از یک درجه باشند، لازم نیست درجه مانایی متغیرها یکسان باشد و صرفاً با تعیین وقفه‌های مناسب برای متغیرها، می‌توان مدل مناسب را انتخاب کرد. به عبارت دیگر، مزیت بسیار مهم روش در بین روش‌های هم‌انباشتگی آن است که این روش بدون در نظر گرفتن این بحث که متغیرهای مدل یا هستند، قابل کاربرد است. به عبارت دیگر در این روش نیازی به تقسیم متغیرها به متغیرهای همبسته از درجه یک و صفر نیست. چهارم، اجتناب از نواقص موجود در سایر مدل‌ها، از جمله وجود ارباب در نمونه‌های کوچک و نبود توانایی در انجام آزمون فرضیات آماری، ما را به سوی روش‌های مناسب‌تری برای تحلیل روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت بین متغیرها از جمله رهیافت سوق می‌دهد. بنابراین به دلیل اجتناب از مشکلاتی همچون خود همبستگی و درونزایی، ناریبی و کارایی و از همه مهم‌تر به دلیل اینکه برخی از متغیرها مانا و برخی دیگر نامانا هستند، این روش، برای بررسی رابطه بین متغیرهای سطح مناسب می‌باشد. در گام ادامه به بررسی آزمون برونزایی متغیرهای مستقل با استفاده از آماره هاسمن پرداخته شده است که نتایج در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون برونزایی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	آماره آزمون	سطح معنی داری
نرخ تورم	۴,۲۹	۰,۰۰۴
اعتبارات بانکی	۴,۲۳	۰,۰۰۰
نقدینگی	۳,۸۷	۰,۰۰۶
دستمزد	۴,۷۶	۰,۰۰۸
رشد جمعیت	۳,۲۰	۰,۰۰۰
درآمدهای نفتی	۴,۲۸	۰,۰۰۵
مخارج دولت	۳,۵۷	۰,۰۱۴
مخارج تحقیق و توسعه	۴,۱۰	۰,۰۰۶
تعداد افراد تحصیلکرده دانشگاهی	۳,۴۷	۰,۰۱۷
تعداد افراد تحصیلکرده دبیرستانی	۳,۰۹	۰,۰۲۱
درجه باز بودن اقتصادی	۴,۵۷	۰,۰۰۰
موجودی سرمایه	۵,۲۹	۰,۰۰۳

منبع: خروجی نرم‌افزار و یافته‌های پژوهش

با توجه به سطح معنی‌داری گزارش شده برای متغیرهای مستقل این مطالعه مشاهده می‌شود که فرضیه صفر مبنی بر عدم اثرگذاری معنی‌دار متغیرها و درونزایی آنها رد شده و این متغیرها برونزا می‌باشند. در ادامه به منظور بررسی رابطه تعادلی کوتاه‌مدت بین متغیرهای تحقیق از روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی استفاده شده است. از مزایای برآورد الگوی پویا این است که می‌توان به وجود رابطه بلند مدت بین متغیرها پی برد. برای این منظور برای اینکه رابطه پویا به سمت تعادل بلندمدت گرایش یابد مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته کمتر از یک باشد. برای انجام این آزمون باید عدد یک را از مجموع ضرایب متغیرها و وقفه وابسته کم شود و بر انحراف معیار ضرایب مذکور تقسیم شود. در صورتی که قدرمطلق t محاسباتی $(-۳,۵۵)$ از قدرمطلق مقادیر بحرانی $(-۲,۶۷)$ ارائه شده توسط بنرجی و دولادو بزرگ‌تر باشد فرضیه صفر رد شده و وجود رابطه بلند مدت پذیرفته می‌شود. الگوی $ARDL$ روشی است که پویایی کوتاه‌مدت بین متغیرها را در نظر گرفته و رابطه بلندمدت را نیز برآورد می‌کند که نتایج آن در جدول (۵) گزارش شده است:

جدول ۵: نقش اعتبارات بانکی بر ساختار بازار کار در ایران در برآورد الگوی کوتاه مدت

متغیر وابسته متغیرهای مستقل	تعداد شاغلین روستایی و شهری	شاغلین بخش خصوصی و دولتی	نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال	حجم اشتغال کل
وقفه متغیر وابسته	۰,۶۷ (۰,۰۲)	۰,۵۳ (۰,۰۰)	۰,۸۳ (۰,۰۲)	۰,۷۵ (۰,۰۲)
عرض از مبدأ	۱,۴۳ (۰,۰۲)	۱,۶۴ (۰,۰۲)	۱,۶۷ (۰,۰۱)	۲,۵۶ (۰,۰۲)
نرخ تورم	۰,۲۶ (۰,۲۱)	۰,۲۸ (۰,۴۵)	۰,۳۴ (۰,۸۴)	۰,۲۹ (۰,۱۹)
اعتبارات بانکی	۰,۸۵ (۰,۰۰)	۰,۷۴ (۰,۰۱)	۰,۶۵ (۰,۰۱)	۰,۶۹ (۰,۰۴)
نرخ تسهیلات	-۰,۱۸ (۰,۰۰)	-۰,۲۵ (۰,۰۰)	-۰,۱۹ (۰,۰۳)	-۰,۲۹ (۰,۰۲)
نقدینگی	۰,۴۹ (۰,۰۱)	۰,۵۷ (۰,۰۴)	۰,۶۲ (۰,۰۲)	۰,۵۴ (۰,۰۴)
دستمزد	۰,۲۸ (۰,۰۱)	۰,۲۵ (۰,۰۰)	۰,۳۵ (۰,۰۱)	۰,۲۷ (۰,۰۰)
رشد جمعیت	۰,۰۳ (۰,۳۸)	۰,۱۷ (۰,۳۱)	۰,۱۵ (۰,۳۸)	۰,۱۲ (۰,۰۴)
درآمدهای نفتی	-	۰,۴۴ (۰,۰۱)	-	۰,۵۹ (۰,۰۲)
مخارج دولت	-	۰,۵۷ (۰,۰۲)	-	۰,۲۷ (۰,۰۴)
مخارج تحقیق و توسعه	-	-	۰,۴۸ (۰,۰۲)	-
تعداد افراد تحصیلکرده دانشگاهی	-	-	۰,۵۹ (۰,۰۴)	-
تعداد افراد تحصیلکرده دبیرستانی	-	-	۰,۶۶ (۰,۰۲)	-
درجه باز بودن اقتصادی	-	-	-	۰,۳۹ (۰,۰۴)
موجودی سرمایه	-	-	-	۰,۳۳ (۰,۰۱)

منبع: خروجی نرم‌افزار و یافته‌های پژوهش

به منظور برآورد ضرایب الگوی کوتاه‌مدت مدل از داده‌های سالانه برای دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۹۶ و روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی استفاده شده است. تعداد وقفه‌های بهینه لحاظ شده در این مدل برای متغیر وابسته یک وقفه و برای متغیرهای مستقل تعداد وقفه‌های بهینه بر اساس آماره شوارتز صفر بوده است. همان‌گونه که از نتایج جدول (۵) مشاهده می‌شود تمامی متغیرهای تحقیق بجز نرخ تورم و رشد جمعیت در سطح خطا ۵ درصد به دلیل اینکه مقدار سطح معنی‌داری گزارش شده کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد معنی‌دار بوده و اختلاف معنی‌داری از صفر دارند. آماره ضریب تعیین یا R^2 برای معادلات برآورد شده به ترتیب برابر با ۰,۹۸، ۰,۸۸، ۰,۹۲ و ۰,۹۴ است که بیان‌کننده قدرت توضیح‌دهندگی مناسب مدل‌های برازش شده است. سطح معنی‌داری ضرایب مدل نشان از تصریح مناسب مدل دارد. باتوجه به اینکه در الگوی برآورد شده متغیر وابسته با وقفه در سمت راست معادله ظاهر شده آماره دوربین و واتسون نمی‌تواند برای آزمون مشکل خود همبستگی بین پسماندها استفاده شود. در این حالت از آماره h دوربین استفاده می‌شود. طبق آماره این آزمون فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خود همبستگی بین پسماندها پذیرفته می‌شود. در ادامه نتایج حاصل از آزمون وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها در جدول (۶) آمده است.

جدول ۶: نقش اعتبارات بانکی بر ساختار بازار کار در ایران در برآورد الگوی بلندمدت

متغیر وابسته متغیرهای مستقل	تعداد شاغلین روستایی و شهری	شاغلین بخش خصوصی و دولتی	نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال	حجم اشتغال کل
عرض از مبدأ	۱,۸۶ (۰,۰۰)	۱,۲۸ (۰,۰۰)	۱,۵۶ (۰,۰۰)	۲,۷۴ (۰,۰۰)
نرخ تورم	۰,۱۸ (۰,۵۷)	۰,۲۵ (۰,۳۴)	۰,۲۶ (۰,۲۹)	۰,۱۹ (۰,۳۴)
اعتبارات بانکی	۰,۸۱ (۰,۰۱)	۰,۶۸ (۰,۰۳)	۰,۷۲ (۰,۰۲)	۰,۶۵ (۰,۰۳)
نرخ تسهیلات	-۰,۲۲ (۰,۰۰)	-۰,۲۸ (۰,۰۱)	-۰,۲۶ (۰,۰۰)	-۰,۲۴ (۰,۰۰)
نقدینگی	۰,۳۲ (۰,۰۲)	۰,۳۸ (۰,۰۲)	۰,۴۵ (۰,۰۳)	۰,۴۱ (۰,۰۰)
دستمزد	۰,۳۱ (۰,۰۰)	۰,۳۵ (۰,۰۲)	۰,۴۲ (۰,۰۴)	۰,۳۳ (۰,۰۲)
رشد جمعیت	۰,۰۵ (۰,۶۳)	۰,۱۲ (۰,۴۴)	۰,۱۳ (۰,۵۶)	۰,۱۶ (۰,۰۴)
درآمدهای نفتی	-	۰,۳۹ (۰,۰۰)	-	۰,۴۱ (۰,۰۳)
مخارج دولت	-	۰,۳۵ (۰,۰۴)	-	۰,۲۶ (۰,۰۰)
مخارج تحقیق و توسعه	-	-	۰,۵۱ (۰,۰۱)	-
تعداد افراد تحصیلکرده دانشگاهی	-	-	۰,۶۲ (۰,۰۳)	-
تعداد افراد تحصیلکرده دبیرستانی	-	-	۰,۷۴ (۰,۰۰)	-
درجه باز بودن اقتصادی	-	-	-	۰,۲۵ (۰,۰۳)
موجودی سرمایه	-	-	-	۰,۳۶ (۰,۰۴)
ضریب تعیین آماره دوربین - واتسون آماره F (سطح معنی‌داری)	۰,۹۵ ۱,۸۹ ۱۲,۲۵ (۰,۰۰)	۰,۹۰ ۱,۹۰ ۱۵,۸۹ (۰,۰۰)	۰,۹۲ ۱,۹۶ ۱۸,۴۱ (۰,۰۰)	۰,۸۸ ۱,۹۴ ۱۶,۳۶ (۰,۰۰)

منبع: خروجی نرم‌افزار و یافته‌های پژوهش

در جدول فوق نتایج تخمین نقش اعتبارات بانکی بر ساختار بازار کار در ایران با استفاده از روش خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی گزارش شده است.

- در معادله اول برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر اعتبارات بانکی برابر با ۰,۸۱ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان اعتبارات بانکی متغیر شاغلین شهری و روستایی معادل ۰,۸۱ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله اول برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر نرخ تسهیلات برابر با ۰,۲۲ است که منفی و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان نرخ تسهیلات بانکی متغیر شاغلین شهری و روستایی معادل ۰,۲۲ درصد کاهش می‌یابد.

- در معادله اول برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر نرخ دستمزد برابر با ۰,۳۱ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان دستمزد پرداختی متغیر شاغلین شهری و روستایی معادل ۰,۳۱ درصد افزایش می‌یابد.

- در مدل برآورد شده در الگوی بلندمدت متغیرهای نرخ تورم و رشد جمعیت تأثیر معنی‌داری بر شاغلین شهری و روستایی نداشته است.

- در معادله دوم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر اعتبارات بانکی برابر با ۰,۶۸ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان اعتبارات بانکی متغیر اشتغال دولتی و خصوصی معادل ۰,۶۸ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله دوم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر نرخ تسهیلات برابر با ۰,۲۸ است که منفی و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان نرخ تسهیلات بانکی متغیر اشتغال دولتی و خصوصی معادل ۰,۲۸ درصد کاهش می‌یابد.

- در معادله دوم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر نرخ دستمزد برابر با ۰,۳۵ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان دستمزد پرداختی متغیر اشتغال دولتی و خصوصی معادل ۰,۳۵ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله دوم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر درآمدهای نفتی برابر با ۰,۳۹ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان درآمدهای نفتی متغیر اشتغال دولتی و خصوصی معادل ۰,۳۹ درصد افزایش می‌یابد.

- در مدل برآورد شده در الگوی بلندمدت متغیرهای نرخ تورم و رشد جمعیت تأثیر معنی‌داری بر اشتغال دولتی و خصوصی نداشته است.

- در معادله سوم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر اعتبارات بانکی برابر با ۰,۷۲ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان اعتبارات بانکی متغیر اشتغال تحصیل‌کنندگان معادل ۰,۷۲ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله سوم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر نرخ تسهیلات برابر با ۰,۲۶ است که منفی و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان نرخ تسهیلات بانکی متغیر اشتغال تحصیل‌کنندگان معادل ۰,۲۶ درصد کاهش می‌یابد.

- در معادله سوم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر نرخ دستمزد برابر با ۰,۴۲ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان دستمزد پرداختی متغیر اشتغال تحصیل‌کنندگان معادل ۰,۴۲ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله سوم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر تعداد افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی برابر با ۰,۶۲ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در تعداد افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی متغیر اشتغال تحصیل‌کنندگان معادل ۰,۶۲ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله سوم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر تعداد افراد تحصیلکرده دبیرستانی برابر با ۰,۷۴ است که مثبت و معنی دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در تعداد افراد تحصیلکرده دبیرستانی متغیر اشتغال تحصیل کنندگان معادل ۰,۷۴ درصد افزایش می‌یابد.

- در مدل برآوردشده در الگوی بلندمدت متغیرهای نرخ تورم و رشد جمعیت تأثیر معنی‌داری بر اشتغال تحصیل کنندگان نداشته است.

- در معادله چهارم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر اعتبارات بانکی برابر با ۰,۶۵ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان اعتبارات بانکی متغیر حجم اشتغال کل معادل ۰,۶۵ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله چهارم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر نرخ تسهیلات برابر با ۰,۲۴ است که منفی و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان نرخ تسهیلات بانکی متغیر حجم اشتغال کل معادل ۰,۲۴ درصد کاهش می‌یابد.

- در معادله چهارم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر نرخ دستمزد برابر با ۰,۳۳ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان دستمزد پرداختی متغیر حجم اشتغال کل معادل ۰,۳۳ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله چهارم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر درآمدهای نفتی برابر با ۰,۴۱ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان درآمدهای نفتی متغیر حجم اشتغال کل معادل ۰,۴۱ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله چهارم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر مخارج دولت برابر با ۰,۲۶ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با

ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان مخارج دولت متغیر حجم اشتغال کل معادل ۰,۲۶ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله چهارم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر درجه باز بودن اقتصادی برابر با ۰,۲۵ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان درجه باز بودن اقتصادی متغیر حجم اشتغال کل معادل ۰,۲۵ درصد افزایش می‌یابد.

- در معادله چهارم برآورد شده مشاهده می‌شود که ضریب متغیر موجودی سرمایه فیزیکی برابر با ۰,۳۶ است که مثبت و معنی‌دار بوده است. این ضریب بیانگر این موضوع است که در بلندمدت و با ثبات سایر شرایط با افزایش یک درصدی در میزان موجودی سرمایه فیزیکی متغیر حجم اشتغال کل معادل ۰,۳۶ درصد افزایش می‌یابد.

- در مدل برآورد شده در الگوی بلندمدت متغیر نرخ تورم تأثیر معنی‌داری بر حجم اشتغال کل نداشته است.

در نهایت آماره‌های خوبی برازش گزارش شده برای مدل‌های برآوردی بیانگر این موضوع است که ضریب تعیین مدل‌ها به ترتیب برابر با ۰,۹۵، ۰,۹۰، ۰,۹۲ و ۰,۸۸ است که بیانگر قدرت توضیح‌دهندگی ۹۵، ۹۰، ۹۲ و ۸۸ درصدی مدل‌ها است. آماره دوربین واتسون محاسبه شده برای مدل‌های بیانگر عدم وجود خودهمبستگی در مدل‌های برآورد شده است. در نهایت آماره F و سطح معنی‌داری گزارش شده بیانگر معنی‌داری کل رگرسیون‌های برازش شده است. با اثبات رابطه هم‌انباشتگی و استفاده از آزمون بنرجی و دولادو برای تأیید کاذب نبودن آن امکان برآورد الگوی تصحیح خطا فراهم است. برآورد الگوی تصحیح خطا برای مدل در جدول زیر آمده است.

جدول ۷: نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطا

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری
مدل اول ECM(-1)	-۰,۵۹	-۴,۷۲	۰,۰۰۰
مدل دوم ECM(-1)	-۰,۶۲	-۳,۲۹	۰,۰۰۰
مدل سوم ECM(-1)	-۰,۷۲	-۵,۱۹	۰,۰۰۰
مدل چهارم ECM(-1)	-۰,۵۵	-۴,۶۸	۰,۰۰۰

منبع: خروجی نرم‌افزار و یافته‌های پژوهش

نتایج نشان دهنده این است که در مدل برآورد شده ضریب تصحیح خطا برابر با مقدار ۰,۵۹-، ۰,۶۲-، ۰,۷۲- و ۰,۵۵- است که نشان دهنده این است که در هر دوره ۵۹، ۶۲، ۷۲ و ۵۵ درصد شوک وارده در کوتاه‌مدت به سمت مقادیر بلند مدت تعدیل می‌یابد این سرعت تعدیل مناسب است.

۵- نتیجه گیری

تحقیق حاضر به منظور بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر ساختار بازار کار ایران بود. به منظور آزمون رابطه بین متغیرها از مدل خودهمبسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برای دوره زمانی ۱۳۳۸ - ۱۳۹۶ استفاده شد. اغلب مبانی نظری تأکید دارند که رابطه مثبتی بین اعتبارات و تأمین مالی و افزایش اشتغال در بازار کار دارد. نکته درخور توجه این است که ساختار بازار کار به لحاظ جنسیت، موقعیت جغرافیایی، بازه سنی و ... بسیار متفاوت می‌باشد. در بازارهایی که فراوانی اشتغال زنان بیشتر از مردان باشد یا گروه‌های سنی جوان تر بیشتر باشد تمایل به اشتغال بالاتر بوده و هزینه تمام شده برای سرمایه‌گذاران و کارفرمایان کمتر می‌باشد لذا منابع مالی کمتری مورد نیاز می‌باشد اما از طرف دیگر به دلیل بالاتر بودن گردش نیروی کار در بین زنان و جوانان برخی از کارفرمایان ترجیح می‌دهند دستمزدهای بالاتری را صرف کارگران خیره و ماهر کرده و هزینه‌های مربوط به آموزش کارگران جدید را کاهش دهند که در این صورت نیازمند اعتبارات بالاتر می‌باشند. با توجه به برآوردهای صورت گرفته مشاهده گردید که اعتبارات بانکی بر متغیر شاغلین بخش خصوصی و دولتی به ترتیب شدت اثرگذاری ۰,۷۴ و ۰,۶۸ داشته است و این موضوع تأییدکننده این بوده است که اعتبارات بانکی و به عبارتی سیاست پولی بر تبیین‌های مختلف اقتصادی اثرگذار بوده است. همچنین مشاهده شد که اعتبارات بانکی بر متغیرهای تعداد شاغلین روستایی و شهری، شاغلین بخش خصوصی و دولتی، نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال و حجم اشتغال کل تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است و این موضوع تأییدکننده این بوده است که اعتبارات بانکی و به عبارتی سیاست پولی بر ساختار بازار نیروی کار در ایران اثرگذار بوده است. علاوه بر این مشاهده گردید که اعتبارات بانکی بر متغیر نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر کل اشتغال و حجم اشتغال کل به ترتیب شدت اثرگذاری ۰,۶۹ و ۰,۶۵ داشته است و این موضوع تأییدکننده این بوده است که اعتبارات بانکی و به عبارتی سیاست پولی بر حجم اشتغال اثرگذار بوده است.

پیشنهاد سیاستی به دست آمده از این مطالعه، توسعه مؤسسات و ابزارهای مالی و افزایش کیفیت و کارایی نهادهای مالی موجود برای افزایش اشتغال موجود در اقتصاد است. از طرفی، اقدام برای گسترش بازار سرمایه، به‌ویژه ایجاد امکان دسترسی تمامی افراد به بازار سرمایه می‌تواند از جمله اقدام‌های دیگری باشد که به منظور بهبود وضعیت بخش مالی و به دنبال آن افزایش اشتغال در ایران منجر خواهد شد. با توجه به اینکه تأثیر نسبت اشتغال تحصیل‌کنندگان بر اشتغال کم بوده است می‌توان بیان کرد که به دلیل اینکه نظام آموزشی کشور از نیازهای جامعه نشئت نگرفته همواره بخش عظیمی از سوادآمختگان، محروم از راهیابی به بازار کار فعالیت‌های تولیدی هستند به این ترتیب یا از داشتن کار محروم هستند و یا به سوی بخش‌های غیر رسمی و مشاغل کاذب کشانده می‌شوند. مهم‌ترین اقدام، گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس نیازهای اقتصاد کشور است که با ترتیب و تجهیز منابع انسانی و افزودن به کارایی و خلاقیت تولیدی آنها، رشد و شکوفایی فعالیت‌های اقتصادی را پی‌ریزی خواهد کرد. لذا آموزش و ارتقای سطح کیفی نیروی کار یکی از مواردی است که در ابعاد مدیریتی و اجرایی یک ضرورت همیشگی به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به تأثیر مخارج دولت بر اشتغال، مهم‌ترین وظیفه دولت رشد اقتصادی است و برای رسیدن به این هدف باید تولید را تقویت و گسترش دهد. در ایران نیاز به سرمایه‌گذاری‌های وسیع دولت در امور تولیدی و زیر بنایی از مهم‌ترین اهداف دولت باید مدنظر قرار گیرد. دولت بایستی طرح‌های نیمه تمام که در برنامه‌های قبل شروع کرده و هنوز به اتمام نرسانده را به اتمام برساند و ایجاد اشتغال کند. سپس به سراغ طرح‌های جدید و ایجاد سرمایه‌گذاری در آنها را شروع کند. چنانچه دولت درآمدهای مالیاتی خود را صرف سرمایه‌گذاری‌ها کند اشتغال افزایش می‌یابد. پس هرچند همیشه تأکید بر کنترل کسری بودجه دولت بوده است، اما چنانچه این کسری، یعنی مازاد مخارج دولت صرف سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و زیربنایی شده باشد، روزی بازدهی این سرمایه‌گذاری‌ها تولید ناخالص ملی را افزایش داده و کسری بودجه را کاهش می‌دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود به منظور درک و سیاست‌گذاری بهتر در حوزه اشتغال، نگرش سیستمی نسبت به اشتغال بخش‌های مختلف ایجاد شود.

کتابنامه

کتاب و مقالات

۱. فارسی

ارگاس فوروندا، اسکار (۱۳۸۰)، *علوم اجتماعی و مشکل بیکاری جوانان در جهان*، ترجمه سازمان ملی جوانان، تهران: نشر روناس.

اسفندیاری، علی اصغر و فرهاد ترجمی (۱۳۸۸)، «بررسی اشتغالزایی بخش‌های اقتصادی ایران با تأکید بر بخش کشاورزی»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۶۷، صص ۱۳-۲۶.

اصفهان، پویا (۱۳۹۸)، *بحران بیکاری در ایران*، گزارش پژوهشکده تدبیر.

اکبری، نعمت‌الله و شیرین مصری‌نژاد (۱۳۸۲)، «بررسی وضعیت اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی استان اصفهان طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۶۵»، *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان*، شماره ۳، صص ۵۴-۷۱.

آل‌عمران، رویا و سیدعلی آل‌عمران (۱۳۹۴)، «اثرپذیری دستمزدها از بهره‌وری نیروی کار در ایران (کاربرد روش جوهانسن-جوسیلیوس)»، *مدیریت بهره‌وری*، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۶۵-۸۲.

دهقان، فتح‌الله (۱۳۸۰)، *نقش اشتغال در کاهش مهاجرت‌های روستایی (مطالعه موردی دهستان مشایخ شهرستان ممسنی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

سعیدی، پرویز (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال»، *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، دوره ۷، شماره ۱۴، صص ۶-۲۵.

طرح آمارگیری از نیروی کار (۱۳۹۵-۱۳۸۸) و بهار ۱۳۹۶، مرکز آمار ایران.

فرجی سبکبار، حسنعلی؛ هاجری، بهرام؛ ترابی، ذبیح‌الله و نادر ملایی (۱۳۹۵)، «تحلیل فضایی الگوی اشتغال زنان در بخش‌های عمده فعالیت سکونتگاه‌های روستایی ایران»، *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، دوره ۱۱، شماره ۳۴، صص ۱۷-۳۱.

قدرتی، حسین (۱۳۹۴)، «فراز و فرود اشتغال زنان در ایران و تفاوت آن با روندهای جهانی»، *توسعه اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۳، صص ۲۹-۵۲.

کیانمهر، محمدولی (۱۳۸۵)، «بررسی آثار بیکاری با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی»، *ماهنامه تعاون*، شماره ۱۸۳، صص ۶۰-۶۳.

ماهر، فرهاد (۱۳۸۳)، «روندهای جهانی اشتغال و بیکاری»، *آموزش علوم اجتماعی*، شماره ۱، صص ۵۰-۵۹.

اثر اعتبارات بانکی بر ساختار بازار نیروی کار کشور / شیخی مهرآبادی و ... ۷۷

مشیری، سعید؛ طایی، حسن و حامد پاشازاده (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت نیروی کار در بازار کار ایران»، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)، جلد ۱۵، شماره ۲، صص ۴۹-۷۲.

میرزایی، محمد؛ دارابی، سعداله و میترا باباپور (۱۳۹۶)، «سال‌خوردگی جمعیت در ایران و هزینه‌های رو به افزایش بهداشت و درمان»، مجله سالمندی ایران، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۱۵۶-۱۶۹.

نظرزاده، خدیجه (۱۳۹۶)، تأثیر تسهیلات بانکی بر اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی استان‌های ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمانشاه: دانشگاه رازی.

نظری، محسن و فاطمه گوهریان (۱۳۸۱)، «بررسی اثر متغیرهای سیاست پولی بر اشتغال به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی در ایران (۱۳۷۸-۱۳۴۵)»، تحقیقات اقتصادی، دوره ۳۷، شماره ۱، صص ۱۲-۳۴.

نوذری، حمزه و علیرضا کریمی (۱۳۹۶)، «نقش روابط رسمی و غیررسمی (شبکه روابط اجتماعی) در اشتغال دانشجویان در دانشگاه خوارزمی»، رفاه اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۶۴، صص ۱۶۱-۱۹۸.

۲. لاتین

Donatella, Gatti; Rault, Christophe & Anne-Gael Vaubourg (2009). *Unemployment and Finance: How do Financial and Labour Market Factors Interact?* , CESifo Working Paper Series 2901, CESifo Group Munich.

Fougère, D.; Kramarz, F. & J. Pouget (2009). "Youth Unemployment and Crime in France", *Journal of the European Economic Association*, Vol. 7, No. 5, pp. 909-938.

Goetz, P. R. & G. Sangupta (1996). *Effective active labour market policies*, IZA Discussion Paper, No. 1335.

Konareski, Y. M. (2012). "Entrepreneurship programs in developing countries: A meta regression analysis", *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 6402, Washington, DC: World Bank.

Nuno, C.L. (2012). "Bank credit and economic growth: A dynamic panel data analysis", *The Economic Research Guardian*, Vol. 2, No. 2, pp. 256-267.

Omtiti, C. H. (2016). "Publication selection bias in minimum-wage research? A meta-regression analysis", *British Journal of Industrial Relations*, Vol. 47, No. 3, pp. 406-428.

Saninger, R. (2015). "The new deal for young people: Effect on the labour market status of young men", *Labour Economics*, Vol. 13, No. 4, pp. 405-422.

- Schuler, S.R. & S. M. Hashemi (1994). "Credit Programs, Women's Empowerment, and Contraceptive Use in Rural Bangladesh", *Studies in Family Planning*, Vol. 25, No. 2, pp. 65-76.
- Yonas, D. A. (2010). "Active labour market policy evaluations: A metaanalysis", *The Economic Journal*, Vol. 120, No. 1, pp. 452-477.